

توضیح: متن زیر مذاکرات بین دو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بخش مارکسیست شده سازمان مجاهدین خلق ایران است که از روی نوار های صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفتائی که در امر تبدیل گفتاری آن مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.
سایت سیاهکل - دسامبر ۲۰۱۰

(نوار شماره سه - قسمت دوم)

حمید اشرف: و کما اینکه خوب، جریانات هاوکینز و اینها هم، باز همان بود دیگه. جریان هاوکینز

تقی شهرام: هاوکینز که قبل از

حمید اشرف: ۵۲ بود دیگه؟

تقی شهرام: ۵۲، قبل از گذشته شدن رضا بود.

حمید اشرف: آره دیگه.

تقی شهرام: خوب، هاوکینز بود. ولی می خوام بگم که بعداً جریان تبلیغاتی ما واقعاً یک چنین چیزی بود که
احیاناً مثلاً

حمید اشرف: بعداً هم متأثر از اون جریانات بود. ولی خوب، به اون شکل دیگه، خیلی پر سر و صدا نبود.

تقی شهرام: یعنی مثلاً اینها هیچکدوم زمینه ای نبود شما راجع به مسائل مجدداً فکر کنید؟ می دونی، اینا را
برای این می خوام بگم که واقعاً روشن بشه ها، من نمی خوام که حتماً اینجا حتماً اثبات بکنیم یک چیزی را

حمید اشرف: نه خوب اینها زمینه هایی بود. کما اینکه بعداً هم رفقا، ما یک چیز دیگر هم داریم یک نشانه دیگه
ای هم داریم. اون هم میگم. که مال بعد از جریان رضاست. چون زمان رضا اصلاً نشریه داخلی نبود.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و بعد از رضا نشریه داخلی اتان درست شد.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: که این جریان کشید به اواخر سال ۵۲ بود که اون اعلامیه دراومد، و مقارن همین احوال بود که
رفقا، شعاعیان را به ما معرفی کردند

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: و گفتند که این فرد هست و یک گروه مارکسیستی دارند

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و تمایل داره که با شما ارتباط بگیره، که ما خوب یک جلساتی گذاشتیم، دیدیم و، در همان رابطه،
در همون جلساتی که شعاعیان هم توش بود، مسئله جبهه اومدش بالا

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: طرح شد. که البته شعاعیان هم روی این مسئله یک مقدار چیر می کرد دیگه پافشاری می کرد و
یک مقاله ای هم نوشت

تقی شهرام: چون به منافعش بود دیگه

حمید اشرف: مقاله ای هم در این زمینه نوشت

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: که پاسخ رفقا هم به او، اون بود. ما در جلساتی که در رابطه با همون تشکیل جبهه داشتیم، یک تمایل مشخص را در رفقا کشف کردیم. و اون این هستش که رفقا جبهه را نمی خواهند، اساساً. یعنی جبهه واسه شون یک چیز مضره فعلاً. چرا؟ بطور مشخص هم معلوم بود.

تقی شهرام: آها!

حمید اشرف: چرا که فکر می کردند که عناصر مذهبی و عناصر به اصطلاح سنتی خرده بورژوازی که

تقی شهرام: ممکنه بیان مارکسیست بشن

حمید اشرف: نه، به هیچوجه، نظرشون این بود که اونها حمایت نمی کنند.

تقی شهرام: اونها جبهه را حمایت نمی کنند

حمید اشرف: یعنی اونها جبهه را تأیید نمی کنند.

تقی شهرام: نه، احتمالاً این نبوده. احتمالاً اون شق اول بوده. بین، من درست تر برات بگم دیگه.

حمید اشرف: چرا چون

تقی شهرام: نه اگر بوده این بوده

حمید اشرف: در اون چیزی که رضا نوشت، جزوه ای که رضا نوشت، اینو تئوریزه کرد. خیلی جالب بود واسه ما. یعنی ما اون را، همینطور دست به دست می گردوندیم و می خوندیم و می گفتیم که ببینید تمایلات طبقاتی

تقی شهرام: چه جوری

حمید اشرف: اصلاً

تقی شهرام: بارک الله

حمید اشرف: چیر نداره

تقی شهرام: رد خور نداره

حمید اشرف: رد خور نداره. یعنی وقتی که

تقی شهرام: رد خور نداره، یعنی تو نظر طرف منعکس میشه. بارک الله

حمید اشرف: نه اینکه منعکس میشه. و وقتی که یعنی فشار طبقاتی یک چیزه که هیچ عاطفه

تقی شهرام: این حرفها سرش نمی شود

حمید اشرف: و سوابق و اینها سرش نمیشه.

تقی شهرام: حتما منعکس میشه

حمید اشرف: یک روز حاکم میشه. نه تنها منعکس میشه، بلکه حاکم میشه

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: در اونجا مسئله این بود. یعنی همون طرح مسئله به اصطلاح، ارتباط پیشتاز با پیشتاز و توده با توده، خیلی دیگه گویا بود دیگه. یعنی بطور مشخص، من نمی دانم خود رضا، یا رفقای که اونو نوشتند، تا چه حد شناخت داشتند نسبت به چیزی که نوشتند. ولی واقعاً

تقی شهرام: ما این نسخه را نداریم. شما دارید؟

حمید اشرف: ما داریم. اگر بخواهید واسه تون میاریم.

تقی شهرام: یک نسخه برای ما بفرستید. چون ما اصلاً فقط همینطور دورادور شنیدیم که حدوداً چی ها بوده.

حمید اشرف: چون در اونجا، به شکل خیلی جالب و دقیقی، مسئله را از دیدگاه طبقاتی مطرح می کرد. و به این صورت که، می گفتش که "ما دو تا پیشتازیم. و مسئله، برای ما مسئله اساسی، وحدت پیشتاز با توده است، نه وحدت پیشتاز با پیشتاز". و اون "توده" ای که ازش صحبت می کرد

تقی شهرام: همه توده مردم بود، که درواقع

حمید اشرف: توده مردم نبود، ولی خرده بورژوازی سنتی بود، درحقیقت.

تقی شهرام: بله درحقیقت، ولی به حساب او، فکر می کرد که همه توده با او وحدت پیدا می کنند.

حمید اشرف: همه توده به او مربوط میشن. کلاً جناح های خرده بورژوازی وقتی از توده حرف می زند

تقی شهرام: منظور

حمید اشرف: گروه خودشون را دارند میگوین. ولی مشخص بود که رفقا انتخاب خودشونو کردن، و این انتخاب را درحقیقت تاریخ کرده، که پیشتاز خرده بورژوازی هم به اصطلاح در خدمت طبقه خودش قرار می گیره، و در مقابل متحدین مارکسیست یا غیرمارکسیست یا هر کس دیگه ای، از موضع اون طبقه برخورد می کنه.

تقی شهرام: بینم، تو اون کاغذ، تو اون نوشته، مسئله جبهه رد شده بود نهایتاً دیگه، بله؟

حمید اشرف: مسئله جبهه، به شکلی که ما پیشنهاد کرده بودیم، رد شده بود. چون ما گفتیم که بیایم حتی نشریه مشترک داشته باشیم.

تقی شهرام: من چون میدانی

حمید اشرف: ما پیشنهاد نشریه مشترک داده بودیم. گفتیم بیایم جبهه و نشریه مشترک داشته باشیم. که البته شعاعیان هم مقاله ای نوشته بود در این رابطه، که اون هم نمی خونید یا نه.

تقی شهرام: اونو خوندم.

حمید اشرف: که اون، یک مقدار شدیداً هم برای رفقا تحریک آمیز بود. چون نوشته بود که، یک جمله معروفی داشت که "سازمان مجاهدین در معده شورش گوارده خواهد شد"

تقی شهرام و جواد قائدی: با صدای بلند می خندند

حمید اشرف: یعنی که به اصطلاح

تقی شهرام: آخه اونجا یه چیزای دیگه هم نوشته بود، مثلاً کمونیست های مسلمون، مسلمون های کمونیست. از اون چرت و پرت های

حمید اشرف: آها، اون خوب، تئوری ای داشت به این صورت که این جریان، جریان کمونیستیه. یعنی مجاهدین الان کمونیست اند. و این مسئله هم در معده شورش گوارده خواهد شد، و این گوارده شدن در معده شورش، خوب خیلی چیز ناگواری بود درحقیقت. که به هر حال بازتابش اون بود. ولی باز، مقاله ای که رفقا دادند

تقی شهرام: بینم، تو اون بطور مشخص جبهه منتفی نشده بود؟

حمید اشرف: نه، نوشته شده بود که

تقی شهرام: ولی می دونی من چی می خواهم بگم

حمید اشرف: تعارفات جبهه ای شده بود. که ما متحدین طبیعی یکدیگر هستیم.

تقی شهرام: باشه، یک چیزی شما باید باز هم پیگیری می کردید.

حمید اشرف: ها! خوب، آخه زمینه اش که نبود. چرا که

تقی شهرام: یعنی ممکنه که ملاحظات تاکتیکی

حمید اشرف: عملاً ما می دیدیم که رفقا به آیت الله شریعت مدار و اینها، بیشتر امیدواری دارند

تقی شهرام: نه

حمید اشرف: تا به

تقی شهرام: نه

جواد قائدی: این دیگه نبود رفیق.

حمید اشرف: حالا بذار بگم.

تقی شهرام و جواد قائدی: می خندند

حمید اشرف: من یک فاکت دارم. اینو از روی فاکت می خوام بگم اینو. اینها سنده، نوشته است. حافظه و اینها نیست. و در این رابطه بود که خوب ما دیدیم که حرفی نیست اون پاسخ به جبهه داده شد و به مسئله پیشتاز و پیشتاز، و پیشتاز و توده، و مسئله مهمتر از همه، اعاده حیثیتی که مارکسیست ها اصلاً باید از خودشون بکنند

تقی شهرام: از چه نظر؟

حمید اشرف: از نظر توده ها.

تقی شهرام: که مثلاً بیان چکار کنند؟ آخه به توده ها بگن چی؟ مگه چه هتک حیثیتی کردن؟

حمید اشرف: هتک حیثیتشون این بود که، مارکسیست ها ظاهراً به، به اصطلاح، اعتقادات و احترامات مذهبی توده ها

تقی شهرام: بها نمی دن؟

حمید اشرف: بی احترامی کردند در گذشته، و حالا

تقی شهرام: یعنی واقعاً این تو اون نوشته هستش، چنین چیزی؟

حمید اشرف: آره. اعاده حیثیت، کلمه اعاده حیثیت مارکسیستها که مارکسیست ها باید از خودشون اعاده حیثیت به عمل بیان.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و در این رابطه است که ما می تو نیم این مارکسیست ها را هم در این وسط که هستیم، یک جایی بهشون بدیم، که توده ها بتونند اینا را هضم کنند.

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: و اگر این کار نشده، به اصطلاح، دیگه نمیشه، یعنی دست ما نیست قضیه، خلاصه، اگر اعاده حیثیت هم نشده. خوب طبیعیه که ما، بعد، اشاراتی به ما که، چرا شما از کمونیسم اسم می برید؟ چرا نمی دونم از مارکسیسم اسم می برید؟ شما بیائید تو جزوه هاتون از فلسفه علمی نام ببرید.

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: و خوب اینها جریاناتی بود که به نظر ما

تقی شهرام: درسته

حمید اشرف: جنبش کمونیستی را تضعیف می کرد

تقی شهرام: بله کاملاً

حمید اشرف: و طبیعتاً ما حتی در همون موقع هم که اون مطلب نوشته شد که جنبش پیشتاز با پیشتاز و پیشتاز با توده، در همان موقع هم و رفقا قویاً می گفتند که اسم کمونیست تکف (نامفهوم...) کفره و ننگه و ایران مذهبی و خلق اله است و بله ست. ما درهمون موقع اش، از همون اول کار هم تو اعلامیه هامون صریحاً می گفتیم که ما کمونیستیم. رهرو راه طبقه کارگریم. هدف ما این هستش. حتی اعلامیه ای بود که رفقا کمک کرده بودند عکس های اسکندر را با اون دستگاه فتو ترنسفرشون تکثیر کرده بودند، که ما بریده بودیم دورشو، چسبونده بودیم رو اعلامیه هامون. از همین موضع با مسئله برخورد کرده بودیم.

تقی شهرام: خوب، اینها، حرف شما کاملاً درست و موضع درست که نباید

حمید اشرف: و حتی

تقی شهرام: جنبش کمونیستی تضعیف می شد. اما این قسمت قضیه که باید به هر حال شما این هم به یک وسیله ای زیر مهمیز خودتون در می آورید به یک وسیله ای

حمید اشرف: کدوم رو؟

تقی شهرام: همین جریان خرده بورژوازی را. به یک وسیله ای به هر حال،

حمید اشرف: والا جریان خرده بورژوازی را ما می توانستیم

تقی شهرام: یعنی به هر حال، در یک روابطی اون را، باهاس در یک مناسبات نزدیک تری می شدید. به هر شکل، اونطور نه، به جور دیگه. یعنی ما وسایله که ازمون نگرفتن. شما به اندازه کافی، در واقع به دلیل همین نقطه نظر مارکسیستی، واقعاً مارکسیست ها این نقطه چی بش می گن این امکان را دارند که میتونند، دستشون باز باشه برای برخورد. می دانید یعنی مثل مذهبی ها در یک کالدهای خیلی محدودی محصور نیستند. چون مذهبی ها مجبورند یک چیزی به این نگویند به اون به قول معروف اصابت نکنه، به چیزی نگویند، از اون ور به قول معروف قضیه خراب نشه، خیلی دچار تناقض هستند. اما مارکسیست ها خوب روشنه، اصولشون معلوم، از نظر اصولی. از نظر خط و شیوه اشون هم به اندازه کافی انعطاف و به اصطلاح زمینه و برد داره برای کار. حالا، منظور من این بودش که شما اگر می دیدی یک چنین جریانی، آیا باید می کشیدید خودتونو کنار؟ یا نه اصلاً یک موضع منفعل می گرفتین؟

حمید اشرف: ما خودمونو کنار نکشیدیم

تقی شهرام: خوب

حمید اشرف: ما باز هم همون پیشنهادهای خودمونو طرح می کردیم با رفقا. رو مسئله جبهه پافشاری می کردیم، چیر باز مسئله نشریه مشترک و نشریات دیگه ای

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: رو هم مطرح می شد، ولی اینجا رفقا یک مقدار

تقی شهرام: ولی مثل اینکه نشریه مشترک، میگی خودت به جمعاً به نتیجه رسیده بودید که امکان پذیر نیست، مگر اینکه هر کسی آخه می دونی، نشریه مشترک اینطوری بودش که گویا مصطفی اینا مطرح کردند که نشریه باشه و احتمالاً مسئله سردبیری و نمی دونم هیئت تحریریه

حمید اشرف: نه نه

تقی شهرام: و این جریانات داشت.

حمید اشرف: نه. این صحبت ها به اینجا رسیده اصلاً نرسید

تقی شهرام: بابا! مثل اینکه اینطوری ها بوده.

حمید اشرف: یعنی صحبت اصلاً نه به هیئت تحریریه و (نامفهوم...)

تقی شهرام: قرار بوده که هیئت تحریریه اش مثلاً یکیش مثلاً خود مصطفی باشه. مگر نه؟ من اینطور که می دونم حمید اشرف: نه، اصلاً صحبت هیئت تحریریه نشد. چون کار به پذیرشش نرسید که به هیئت تحریریه اش عدم توافق بشه. یعنی اصلاً نفی شد. نشریه مشترک

تقی شهرام: آها، رسیدیم به اینکه اول باید هر گروه و سازمانی برای خودش نشریات داخلی بوجود بیاره، بعد در رابطه با وحدت اینها، یعنی در رابطه با مثلاً وقتی که نشریه مشترک در داخل سازمانها بوجود آمد، اینها در چه جریان دیگه اونوقت بیان مثلاً اون نقاط مشترکشو بیان تو به نشریه مشترک مثلاً دو تا سازمان یعنی هر سازمان نشریه خودشو داشته باشه، بعد از تو اون یک زمینه هایی پیدا کنند برای به نشریه مشترک. اینطور می دیدید بعداً شما. ها؟

حمید اشرف: والا، ظاهراً همینطوری ها بود.

تقی شهرام: آها

حمید اشرف: که بعد اونوقت این نشریات داخلی درآمد و مدتها گذشت و اینها یکی از اون شماره های نشریه داخلی هم رفقا به ما دادند. یک نسخه شو فقط

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: که در اون نسخه در حقیقت، خوب یکی در این زمینه بود که ما نشریه داخلیمونو درآوردیم، یکی دیگه این البته مال بعد از شاید مثلاً اواخر ۵۲ یا اوایل ۵۳

تقی شهرام: نه اواخر ۵۲ نیست. اگر همون نسخه را دادند، حدوداً مثلاً باید

جواد قائدی: تابستون ۵۲

تقی شهرام: تابستون، اوایل شهریور و اینا باشه.

حمید اشرف: ۵۲؟

تقی شهرام: ۵۲ است

حمید اشرف: همان نسخه ای هست اش

تقی شهرام: چون ۵۳ نیست، حتماً.

حمید اشرف: که عکس کلت هم کشیده شده بود. چاپ الکی و اینها

تقی شهرام: نمی دونم.

جواد قائدی: شماره ۲ نشریه داخلی

حمید اشرف: این مال کیه؟

جواد قائدی: مال شهریور

حمید اشرف: ۵۲؟

جواد قائدی: بله

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: که اون شماره را به ما دادند. که در اونجا، خوب همه چیزاش یک طرف، یک تحلیلی بود از نیروها. که این تحلیل مبتنی بر این بود که، صحبت از مارکسیست های افراطی و چپ شده بود از یک طرف. یعنی

خلاصه، تحلیل طبقاتی شده بود. به اصطلاح تحلیل نیروهای طبقاتی. که در اون تحلیل، سازمان چریکهای فدایی خلق به تلویح مارکسیست های چپ و افراطی قلمداد شده بودند، و آیت الله شریعتمدار جزو نیروهای بینابینی

جواد قائدی: اسم این تحلیل چی بود رفیق؟

حمید اشرف: نمی دونم، شما نشریات داخلی را حتما دارید

تقی شهرام: پیدا میشه. داریم، ما به دوره داریم فکر می کنم.

حمید اشرف: که آیت الله شریعت (نامفهوم...) که گفته بودند نیروهای بینابینی مثل آیت الله شریعتمداری و اینطوری (نامفهوم...) . که این دوتا چیزش تو یادمن هست. که ما دیدیم که موضعگیری بعد از رفیق رضا هم طوره که ما کماکان مارکسیست های چپ هستیم، و آیت الله شریعتمداری درباره جزو نیروهای بینابینی. و خوب، وقتی که آیت الله شریعت مدار بینابین باشه، این دو طرف بین هم قابل توضیح دیگه که کیا می خوان باشن. و این، از چه موضعی داره این تحلیل صورت میگیره. و بخصوص چون رفقا این هم دادند به ما. چون نشریه داخلی که هیچکدومو نمی دادند. این یک نسخه اش را دادند. و این برای ما نشانه ای بود بر این موضوع که، دومرتبه تأییدی، تأکیدی ست بر همون به اصطلاح،

تقی شهرام: الان من اینو توضیح بدم

حمید اشرف: خط مشی سابقی که رفقا دارند. و خوب از اون به بعد دیگه، روابط خیلی چیز شد به اصطلاح به سردی رفت. به سردی رفت تا سال ۵۳ که دیگه باز همین مسائل مطرح بود. که در سال ۵۳ طرح می کرد رفیق که یک بحث هایی در درون سازمان ما هست. که چندین بار، چندین بار متوالی ما گفتیم که رفقا اگر میشه این بحثها ما را هم تا حدودی را در جریان این بحث ها بگذارید. بعد مسئله به اصطلاح انتقادها را مطرح کردیم. که رفقا می گفتند که انتقادها

تقی شهرام: پس بین، مسئله جبهه بعد طرح نشد ها! بین، تو داشتی اینو می گفتی که در واقع قضیه جبهه حمید اشرف: (نامفهوم...) چرا (نامفهوم...)

تقی شهرام: یک وسیله ای بود که بتونیم

حمید اشرف: چرا. در یک نقطه دیگری دوباره مطرح کردیم، ولی کارش بالا نگرفت. به این صورت که بعد از طرح مسئله انتقادها که رفقا پاسخی ندادند

تقی شهرام: نه، پاسخ مثل اینکه دادیم که نمی کنیم این کار را.

حمید اشرف: ها؟

تقی شهرام: مثل اینکه اون رفیق گفته بود که این کارو نمی کنیم.

حمید اشرف: همین گفته، به شکل مبهمی هم طرح کرده بود

جواد قائدی: گفته بود انتقاد از کدام موضع؟

حمید اشرف: ها، انتقاد از کدام موضع بود که ما می گفتیم که خوب، رفقا تا حالا موضعشون موضع مارکسیستی نبوده. حالا می خوان ما به موضع مارکسیستیشون صحه بگذاریم؟

تقی شهرام: نه. همچی چیزی شما نگفته بودید.

حمید اشرف: نه، ما نگفتیم. احساس ما بود.

تقی شهرام: آها، تو فکر خودتون.

حمید اشرف: که خوب، چی می خوان؟ حالا مثلا اینکه برن

تقی شهرام: البته ما تصور می کردیم که شما می فهمید. می دونی؟ یعنی تصور ما این بودش که شما از روی عمل ما، نظرات ما، انعکاسات خارجی سازمان ما، می فهمید حرکت سازمان مارو.

حمید اشرف: من اون دفعه هم گفتم که چون

تقی شهرام: ولی عمد دارید که در واقع خودتونو به نفهمی بزیند.

حمید اشرف: نخیر. چون سازمان، سازمان التقاطی بود،

تقی شهرام: آها شما

حمید اشرف: ما این تحلیل را داشتیم که سازمان التقاطی

تقی شهرام: آخه این یک چیزه

حمید اشرف: یه مقدار هم اصلاً التقاطی بودنش هم یه مقدار به خاطر، به اصطلاح امکان شترمرغ بودنشه.

تقی شهرام: خوب

حمید اشرف: یعنی هم بتونه این ور بازی کنه، هم بتونه آن ور بازی کنه

تقی شهرام: بسیار خوب

حمید اشرف: با ما

تقی شهرام: ولی تا ابد؟ تا ابد بتونه این کارو بکنه.

حمید اشرف: تا ابد طبعاً نمی تونست این کارو بکنه.

تقی شهرام: خوب، پس شما باید متوجه باشید

حمید اشرف: ما در حقیقت

تقی شهرام: که بالاخره، این می شکنه. این پوسته داغون میشه، این تناقض اینو از بین می بردش. کجاست؟ ما به این کمک کنیم. ما جهت صحیحشو تقویت کنیم.

حمید اشرف: از کجا پیداش می کردیم؟

تقی شهرام: اه! کاری نداشت!